

متن پرسش

سلام بر استاد گرامی: عزاداری ها قبول. سوالی از محضرتان داشتم. ذیل جلد ششم اسفار بعد از اثبات برهان صدیقین توسط ملاصدرا، علامه طباطبایی (ره) حاشیه ای دارند، که مضمون را اینطور برداشت کردم که: مبنا را بدیهیات هم که قرار دهیم، باز هم قبل از آن بدیهی حق در میان است، نه بدیهی، یعنی اگر بگوییم اجتماع نقیضین محال است، اگر کسی پرسید حقا محال است یا باطلا، می گوییم حقا، پس حقیقت حق را قبل از آن بدیهیات پذیرفته ایم. آنطور که ظاهر است و بنده استقرا کردم، علامه این نگاه را از فرهنگ کلی قرآن می دانند و اگر طبق این نظر علامه طباطبایی به موضوعات بنگریم، پس در واقع برای بصیران عالم حتی نفس هم نمی تواند بدیهی ترین باشد، بلکه خود حضرت حق بدیهی ترین بدیهیات می باشد و «بک عرفتک» اینجا معنا میابد. آیا برداشتم صحیح است؟

التماس دعای فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شاید بتوان حق را این جا به معنای آنچه واقعاً محقق و واقع است در نظر بگیریم. لذا دیگر اجتماع نقیضین علمی نیست که پذیرفته باشیم، بلکه یافتی است از حقیقت که در مقابلش تصویری نیست که آن تصور باطل باشد بلکه صرفاً حق است و لاغیر. والله اعلم. موفق باشید